

جغرافیا و توسعه شماره ۴۰ پاییز ۱۳۹۴

وصول مقاله: ۱۳۹۲/۰۴/۲۶

تأیید نهایی: ۱۳۹۳/۱۱/۲۰

صفحات: ۴۳-۵۸

تحلیل تطبیقی الگوی توزیع جمعیت در نظام شهری مناطق ۱۰گانه‌ی کشور

دکتر محمود قدیری^۱، فاطمه شاکری^۲

چکیده

الگوی نظام شهری کشورها و مناطق ارتباط تنگاتنگی با توسعه‌ی منطقه‌ای و تعادل سرزمینی دارد. لذا برای تبیین وضع موجود و ارائه‌ی سیاست‌های مناسب، تحلیل چگونگی نظام شهری ملی و منطقه‌ای کشورها ضروری است. از این رو، با توجه به عدم مطالعه‌ی نظام‌مند و تطبیقی از وضعیت نظام شهری کشور، هدف این پژوهش، تحلیل وضعیت نظام شهری مناطق ۱۰گانه‌ی کشور از نظر شاخص‌های نخست شهری، تمرکز و تعادل شهری می‌باشد. در این راستا، پس از بررسی مبانی نظری، متغیرهای ارزیابی مشخص گردید و فرضیه‌ی تحقیق نیز مبنی بر فاصله‌ی نظام شهری بیش از نیمی از مناطق ۱۰گانه‌ی کشور با میزان مطلوب شاخص‌های نخست شهری، تمرکز و تعادل شهری در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ ارائه شد. سپس، در چارچوب روش توصیفی-تحلیلی، داده‌های مورد نیاز از روش کتابخانه‌ای گردآوری شد. تحلیل داده‌ها نیز با استفاده از شاخص‌های نخست شهر، دو شهر، کینزبرگ، مهتا، موماو و الوصابی، موسوی، هرفیندال، هندرسون، آنتروپی، قاعده‌ی رتبه-اندازه و ضریب پاره-توان انجام شد.

نتایج ضمن تأیید فرضیه‌ی تحقیق نشان داد که مناطق البرز جنوبی، خراسان و فارس بالاترین، و مناطق ساحلی شمالی و زاگرس کمترین میزان نخست شهری و تمرکز را در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ دارند، از نظر تعادل توزیع نیز همه‌ی مناطق از عدم تعادل رنج می‌برند. نتیجه اینکه بازبینی و تداوم بلندمدت و ابتکارانه‌ی سیاست‌های توسعه‌ی منطقه‌ای ضروری است. کلیدواژه‌ها: ایران، مناطق ده‌گانه، نظام شهری، نخست شهری، تمرکز و تعادل شهری.

مقدمه

بیان مسأله

مطالعه‌ی نظام شهری روشنگر بسیاری از مسائل، از جمله علل جابجایی نیروی کار و سرمایه در بین شهرها و تمرکز شدید در یک منطقه و رکود و تخلیه جمعیت در منطقه دیگری از کشور است (حسامیان و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۱۳). در بسیاری از کشورهای جهان سوم، شهر بزرگی را می‌توان دید که اکثر فعالیت‌های عمده و بیشتر شکل‌های زیربنایی اجتماعی و اغلب مراکز تصمیم‌گیری را در خود جای داده است (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵: ۶۱). این پدیده به "نخست شهری" معروف است. نخست شهر، شهری است که در یک کشور و یا منطقه همه چیز را تحت شعاع قرار می‌دهد و بطور نامتناسبی نسبت به دیگر شهرها بزرگتر است (Radstrom, 2005: 6).

شاخص مشخص و کلیدی برتری شهری، تمرکز جمعیت در شهر مسلط است (لینچ، ۱۳۸۶: ۱۲۸-۱۲۷). در برخی از کشورهای در حال توسعه، تسلط شهری بسیار چشمگیر است (دراککس-اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۳). با این وجود، برتری پاریس، وین و کپنهاگ یادآور این نکته است که فوق برتری، پدیده‌ای ویژه جهان سوم نیست (گیلبرت و گالگر، ۱۳۷۵: ۶۲).

در ایران نیز، در ابتدا، سیاست‌گذاری‌های توسعه تحت راهبرد قطب رشد، به رشد ناموزون و عدم تعادل‌های شدید چه به لحاظ بخشی و چه به لحاظ فضایی-مکانی منجر شد. جهت‌گیری این سیاست‌ها از دیدگاه توسعه‌ی فضایی همواره به سود مراکز و فعالیت‌های شهری عمل نموده و روستاها بیش از پیش در حاشیه قرار گرفته‌اند. پیامد مستقیم این تحولات، حرکت جمعیت از روستاها به سوی شهرها می‌باشد (علی‌کبری، ۱۳۸۳: ۵۵). با شکست سیاست قطب رشد، بعد از جنگ، سیاست کلی ایران به سمت سیاست

توسعه‌ی روستا-شهری به خصوص راهبرد یوفرد حرکت نمود. این راهبرد بر مبنای عدم تمرکز سرمایه‌گذاری‌ها با تأکید بر استراتژی توسعه بر محور شهری در تأمین حداقل شرایط برای مردم روستایی می‌باشد. این راهبرد به شکل تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک در جهت خارج نمودن روستاها از انزوای جغرافیایی و تحقق تعادل‌های ناحیه‌ای نمود پیدا کرد (سرایبی و اسکندری ثانی، ۱۳۸۶: ۱۶۹). در این ارتباط، امروزه مطابق نظریه‌های توسعه منطقه‌ای نظیر مراکز رشد میسر، یوفرد^۱ و نظریه‌ی روستا-شهری داگلاس، بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، برای غلبه بر عدم تعادل‌ها، توزیع فضایی مطلوب جمعیت و کاهش قطبی شدن؛ به الگوی غیرمتمرکز توسعه‌ی فضایی گرایش پیدا کرده‌اند. الگویی که محور اصلی آن، تقویت و توسعه‌ی شهرهای کوچک و میانی است (Rondinelli & Ruddel, Misra, 1978: 170-175; Douglass, 1988: 12, 1978: 5; زبردست، ۱۳۸۳: ۲۴). لذا هر چه نظام شهری مناطق مختلف کشور از تمرکز دور شده و خصلتی سلسله مراتبی بیابند زمینه‌های توسعه‌ی منطقه‌ای بیشتر فراهم می‌شود.

در این راستا، با مبنا قرار دادن طبقه‌بندی طرح کالبدی ملی ایران، سؤال تحقیق چنین طرح شد: وضعیت نظام شهری مناطق ۱۰گانه‌ی کشور از نظر شاخص‌های نخست شهری، تمرکز و تعادل شهری چگونه است؟ در این ارتباط، با توجه به: ۱- مسأله‌ی پژوهش، ۲- پذیرش رویکرد تمرکز غیرمتمرکز و برنامه‌ریزی سلسله مراتبی بر اساس مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش و ۳- فقدان دسترسی مناسب به اطلاعات کارکردی همه‌ی شهرهای ایران، تحلیل نظام شهری مناطق ۱۰گانه‌ی کشور از طریق رویکرد تحلیل جمعیتی انجام شد. بر این اساس، فرضیه‌ی پژوهش

۱- عملکردهای شهری در توسعه‌ی روستایی (Urban Functions in Rural Development: UFRD)

عمده‌ی صاحب‌نظران، هدف غایی در برنامه‌ریزی نظام شهری را بیش از هر چیز دستیابی به راهبردی مناسب برای توزیع بهینه‌ی فعالیت و سکونت در فضای ملی و منطقه‌ای می‌دانند. در این راستا، مرور ادبیات نظری در رابطه با توسعه‌ی فضایی و راهبردهای معطوف به چگونگی سازمان‌یابی شهرها، سه گروه از نظریه‌های توسعه را نشان می‌دهد. گروه اول در چارچوب دیدگاه نوسازی و نظریه‌ی قطب رشد، نظریه‌هایی هستند که افزایش کارایی به کمک رشد اقتصادی را شرط دستیابی به توسعه می‌دانند. این دیدگاه علت توسعه‌نیافتگی کشورها را کمبود سرمایه و تکنولوژی و راه برون رفت از بن بست عقب ماندگی را نوسازی اقتصادی، افزایش تولید و انباشت سرمایه می‌داند. تجسم این نظریه شکل‌گیری یک یا تعدادی قطب رشد به عنوان موتور پیش برنده توسعه است (طرح کالبدی منطقه‌ی فارس، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۲). لذا، در دهه‌ی ۱۹۷۰، برای رسیدن به موازنه‌های منطقه‌ای بهتر، قطب‌های رشد ابزار مطلوبی تشخیص داده شد. اما در دهه‌ی ۱۹۸۰ هم در جهان صنعتی و هم در جهان سوم، اعتماد به قطب‌های رشد از میان رفت (مابوگونج و میسر، ۱۳۶۸: ۱۱۱).

نتیجه‌ی تجربی این نظریه در کشورهای توسعه‌نیافته با تشویق شهرهای بزرگ، به الگوی نخست شهری انجامیده است که در آن شهر قطب با فاصله‌ی زیاد (از نظر جمعیت و امکانات) با سایر شهرهای پایین‌تر از خود قرار دارد. عموماً میان عناصر شبکه‌ی شهری این الگو گسیختگی وجود داشته و افزون بر حلقه‌های مفقوده، از نظر سطح توسعه‌یافتگی میان شهر بزرگ و سایر سکونتگاه‌ها دوگانگی شدید ایجاد می‌شود. دومین گروه از نظریه‌ها در چارچوب دیدگاه وابستگی و نظریه‌های مرکز-پیرامون و توسعه‌ی روستا-شهری، عدالت اجتماعی را در مسیر توسعه، مقدم بر رشد اقتصادی می‌دانند. طرفداران این نظریه برآنند که عوامل توسعه‌نیافتگی کشورها، وابستگی آنها به نظام

چنین ارائه شد: به نظر می‌رسد نظام شهری بیش از نیمی از مناطق ۱۰گانه‌ی کشور در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ با میزان مطلوب شاخص‌های نخست شهری، تمرکز و تعادل شهری فاصله دارند.

اهداف و ضرورت تحقیق

توسعه‌ی سیستم شهری در هر کشور یک امر اتفاقی نیست و از سوی دیگر کنترل روند آینده‌ی آن نیاز به برنامه‌ریزی‌های دقیق دارد. اولین گام در این مسیر، شناسایی این سیستم و بررسی خصوصیات مختلف آن است (فرهمنند و دیگران، ۱۳۸۷: ۲). بعلاوه، با توجه به رابطه‌ی الگوی نظام شهری با سطح توسعه‌ی منطقه‌ای و فراگیر بودن آن، بررسی وضعیت نظام شهری مناطق مختلف کشور از اهمیت بالایی برخوردار می‌گردد. چراکه مطابق نظریه‌های فوق، سازمان‌یابی اقتصادی و توسعه‌یافتگی را باید در تعادل فضایی و توزیع موزون‌تر جمعیت در سکونتگاه‌های شهری جستجو کرد. بنابراین تحلیل تطبیقی مناطق ۱۰گانه‌ی کشور از نظر شاخص‌های نخست شهری، شاخص‌های تعادل و نیز شاخص‌های تمرکز شهری از اهداف این پژوهش می‌باشد.

مبانی نظری پژوهش

نظام شهری عبارت است از مجموعه‌ای از شهرک‌ها و شهرهای وابسته به یکدیگر که ساختار نظام سکونتگاهی شهری را در یک منطقه یا کشور به وجود می‌آورند (فرهودی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۶). نظام شهری در مفهوم گسترده‌ی آن، بر مبنای کانون‌های شهری که تمرکز فضایی مردم و انواع فعالیت‌های داخل ناحیه یا کشور را در برمی‌گیرند، قرار دارد (شکویی، ۱۳۸۵: ۳۳۲). "بری" نیز اصطلاح نظام شهری را به معنای گروهی از شهرهای وابسته و مرتبط به هم به کار می‌برد (عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۰).

سرزمین اهمیت داده شد. در این نظریه‌ها سازمان یافتن اقتصادی و توسعه‌یافتگی را باید در تعادل فضایی و توزیع موزون‌تر جمعیت در سکونتگاههای شهری جستجو کرد (مکچی، ۱۳۸۳: ۱۱-۱۰). در واقع، در نیمه‌ی دوم قرن بیستم گرایش خاصی به مطالعه‌ی اندازه‌ی جمعیت شهرها در قالب نظریه‌ها و راهبردهای توسعه‌ی ملی و منطقه‌ای به وجود آمد (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۷۵: ۳۴). بطوری‌که به دنبال افزایش مسائل ناشی از رشد شهرگرایی و تمرکز نامطلوب در شهرهای بزرگ، روند برنامه‌ها به نفع شهرهای میانی و کوچک تغییر یافت (باقری، ۱۳۷۵: ۳۰-۲۹).

پیشینه تحقیق

ایده‌ی نخست شهری اولین بار توسط جفرسون در سال ۱۹۳۹ در مقاله‌ای تحت عنوان "قانون نخست شهری" مطرح گردید (لیورجانی و شیخ‌اعظمی، ۱۳۸۸: ۱۸۳). فریدمن و کلینگسون (۱۹۶۷) نخست شهری را پدیده‌ای جدای از "شهرنشینی بیش از حد" نمی‌دانند. آنها معتقدند که شهرنشینی بیش از حد در اثر تمرکز فزاینده‌ی فعالیت‌های شهری اتفاق می‌افتد که یکی از پیامدهای آن نخست‌شهری است (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۲). اشمیت و هنری در بررسی آثار اندازه و رشد شهرها بر تغییرات جمعیت روستایی، نتیجه گرفتند که شهرهای میانی بیشترین اثر مثبت را بر تغییر جوامع روستایی داشته‌اند (Schmitt & Henry, 2000: 1-21). کلارک پیشنهاد کرد که بهتر است به جای دوشهر، چهار شهر اول نظام شهری برای محاسبه‌ی میزان نخست شهری انتخاب گردد، از همین رو اصطلاح "شاخص چهار شهر" را مطرح کرد (حکمت‌نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۱۹۸). در ادامه، ریچاردسون با تطبیق شاخص چهارشهر با قاعده رتبه-اندازه نسبت مطلوب شهر اول به مجموع چهار شهر نخست نظام شهری را ۰/۴۸ دانسته است (فرهودی و دیگران، ۱۳۸۸: ۵۸).

سرمایه‌داری و غارت منابع آنها توسط کشورهای توسعه یافته است. راهبرد پیشنهادی آنها توسعه‌ی فعالیت‌های متکی به منابع داخلی و در صدر آنها کشاورزی است. به تبع این الگوی اقتصادی، الگوی سکونتگاه‌های پیشنهادی نیز به جای کلانشهرها، مجموعه‌ای از شهرهای کوچک و روستا-شهرها، به مثابه مراکز خدمات‌رسان به فعالیت‌های کشاورزی و نیز مراکز بازاری تولیدات کشاورزی و انتقال نوآوری‌ها می‌باشد. الگوی نظام شهری این گروه، تا حد زیادی همگن و فاقد نظام سلسله مراتبی است و لذا نوعی نظام غیرمتمرکز است (طرح کالبدی منطقه‌ی فارس، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۲). در واقع، در سال ۱۹۷۵، فریدمن و داگلاس با طرح نظریه‌ی توسعه‌ی روستا-شهری به نقد راهبرد توسعه‌ی منطقه‌ای قطب رشد و صنعتی شدن شتابان پرداختند (اصلائی و جواد، ۱۳۷۳: ۲۲).

نظریه‌ای که به توسعه‌ی ناحیه‌ای (ارتباط متقابل مرکز و حوزه‌ی نفوذ) و توسعه‌ی یکپارچه‌ی روستا و شهر تأکید دارد (Dougllass, 1988: 12).

دسته‌ی سوم نظریه‌ها، موسوم به نظریه‌ی "سلسله مراتب شبکه‌ی سکونتگاهی" است. این نظریه‌ها در چارچوب نظریه‌های مکان مرکزی، یوفرد، مراکز رشد میسرا و قاعده‌ی رتبه-اندازه، میانه‌ای از دو حد تمرکزگرایی و تمرکززدایی را برگزیده و راهبرد تمرکز غیر متمرکز را پیشنهاد کردند. اعتقاد بر این است که توسعه‌ی روستایی بطور منزوی و جدای از توسعه‌ی شهری حاصل نمی‌شود (Rondinelli, 1983: 119). لذا بر مبنای برنامه‌ریزی چند سطحی، از ترکیب نظریه‌ها و راهبردهای قبلی دفاع می‌کند و هدفش یکپارچه کردن کوشش‌های توسعه در سطوح سرزمینی گوناگون است (میسرا، ۱۳۶۸: ۲۹۰-۲۸۸). در همین راستا، در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، به عملکرد شهر در نظام سلسله مراتب شهری و جایگاه آن در نظام شهری

تدریج از تمرکز آن کاسته شده و به سمت توزیع متناسب‌تری در حال حرکت بوده است و اعمال سیاست‌های تمرکززدایی از اواسط دهه‌ی ۱۳۴۰ به بعد باعث کاهش میزان نخست شهری تهران شده و در شکل‌گیری نظام موجود کشور تأثیرگذار بوده است.

فرهودی و همکاران (۱۳۸۸) در تحقیقی با عنوان "چگونگی توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، با دسته‌بندی روش‌های تحلیل توزیع و تمرکز نظام شهری، به نتایجی مشابه نتایج پژوهش فوق‌الذکر دست یافته‌اند. لیوارجانی و شیخ اعظمی (۱۳۸۸)، ضمن تحلیل شاخص‌های نخست شهری در استان‌های کشور، چنین نتیجه‌گیری نموده‌اند که: الگوی نخست شهری در ایران از الگوی نخست شهر به الگوی نخست شهرها تبدیل شده و در آینده به‌جای یک شهر برتر و یک نظام شهری متعادل، دارای نخست شهرهای برتر خواهیم بود. بعلاوه، پدیده‌ی نخست شهری در ایران بیش از اینکه نتیجه‌ی انباشتگی سرمایه و صنعت باشد، نتیجه‌ی انباشتگی سیاسی و خصوصیات جغرافیایی (سرزمین) می‌باشد.

سیف‌الدینی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با استفاده از شاخص تحرک رتبه و بر مبنای رویکرد تحلیل اکتشافی داده‌های مکانی، پویایی فضایی-زمانی نظام شهری ایران در دوره‌ی زمانی ۱۳۹۰-۱۳۳۵ را بررسی کرده‌اند. نمونه‌ی تحت مطالعه، شهرهای دارای جمعیت بالاتر از ۱۰۰ هزار نفر در سال ۱۳۹۰ است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که سلسله مراتب شهری ایران در ۵۵ سال گذشته به شدت در حال تغییر بوده است؛ با این حال، شدت تغییرات در سطوح بالاتر به مراتب کمتر از سطوح میانی و پایینی بوده است. حیدری (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی از طریق مدل زیلف، شاخص نخست شهری، شاخص چهار شهر و ضریب جینی؛ ابعاد کالبدی-فضایی تمرکزگرایی نظام شهری در ایران را طی سال‌های ۷۵ و ۸۵ بررسی

دیویس و هندرسون (۲۰۰۳) نشان دادند که اگر نخست شهر، پایتخت کشوری باشد، اندازه‌ی آن حدود ۲۰ درصد بزرگتر از اندازه نرمال آن خواهد بود. آنها همچنین نشان دادند که سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های حمل و نقل در مناطق پیرامونی باعث کاهش میزان نخست شهری می‌شود (زبردست، ۱۳۸۶: ۳۲). زی و وارد در شناخت ارتباط بین توسعه و تکامل شهرها در غرب چین به این نتیجه می‌رسند که مسایل جغرافیایی و طبیعی از عوامل مؤثر بر سیستم شهری ناحیه است (Xie & Ward, 2007: 60-73). کواتک (۲۰۱۱) نیز با بررسی موانع و عوامل رشد شهرهای کوچک لهستان بیان می‌کند که امروزه عوامل مثبت به تنهایی برای فعال کردن شهرهای کوچک از نظر اقتصادی کافی نیست (Kwiatk - Solltys, 2011: 365).

مطابق تحقیقات لاکور و پوسانت نیز خلاقیت در شهرهای کوچک منجر به فرهنگ اقتصادی می‌گردد (Laccour & Puissant, 2009: 6). در سطح ملی نیز، پژوهش‌های مختلفی در خصوص تحلیل توزیع و تمرکز نظام شهری در مقیاس منطقه‌ای صورت گرفته است که در ادامه به طور خلاصه مهمترین مطالعات انجام شده بیان شده‌اند. حاجی‌پور و زبردست (۱۳۸۴) در پژوهشی به تحلیل و ارائه‌ی الگویی برای نظام شهری استان خوزستان پرداخته‌اند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بخشی از عدم تعادل در توزیع فضایی جمعیت و کانون‌های زیستی استان را می‌توان به فضای ناهمگن طبیعی و بستر جغرافیایی منطقه نسبت داد، هر چند که تأثیر عوامل اقتصادی-اجتماعی در شکل‌گیری نظام موجود را نمی‌توان نادیده گرفت.

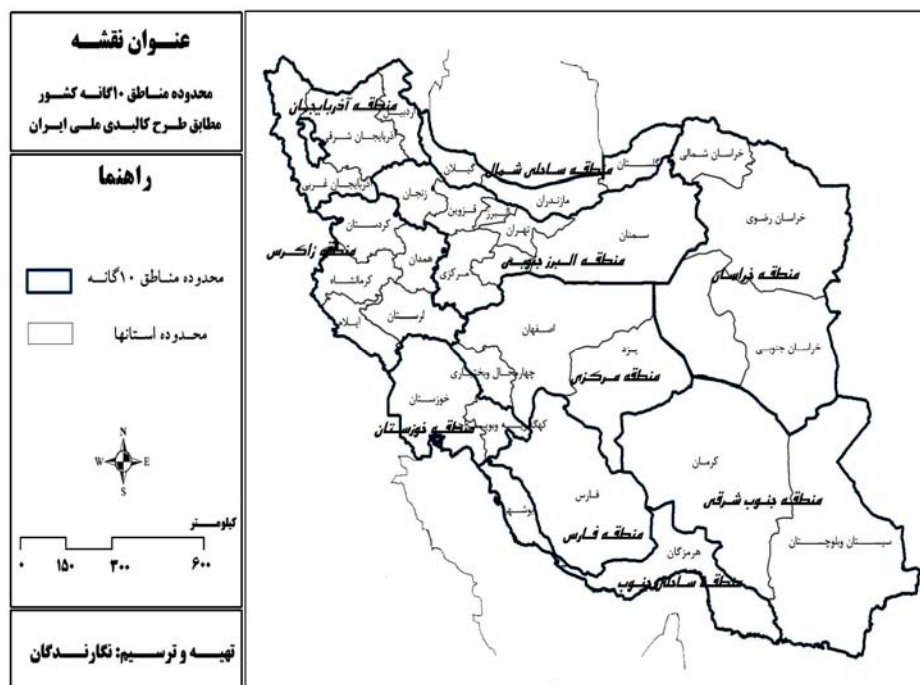
زبردست (۱۳۸۶) در پژوهشی با معرفی و به‌کارگیری روش‌های تحلیل میزان نخست شهری، به این نتیجه می‌رسد که: توزیع نظام شهری کشور از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ با روند تمرکز بیش از حد و یا نخست شهری بیشتر همراه بوده و از سال ۱۳۵۵ به بعد و تا ۱۳۷۵ به

ملی و کلانشهری به کار گرفته شود. همچنین مرحله‌ی برگشت تمرکز، تفسیر مناسبی را از مراحل توسعه‌ی شهری خصوصاً در کشورهای در حال توسعه ارائه می‌دهد.

محدوده‌ی مورد مطالعه و روش تحقیق

مطابق طرح کالبدی ملی ایران، کشور به ده منطقه‌ی برنامه‌ریزی تقسیم شده است که محدوده‌ی مطالعه‌ی این پژوهش را مطابق شکل (۱) تشکیل می‌دهند.

نموده است. وی نتیجه می‌گیرد که جهت اصلاح نظام شهری و دستیابی به نظام شهری متوازن در کشور، توجه به شهرهای کوچک و میانی و طرح‌های آمایش سرزمین بسیار ضرورت دارد. رجایی و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی، به بررسی دیدگاه‌ها، نظریه‌ها و تجربیات شهرنشینی متغیر پرداخته‌اند. شهرنشینی متغیر در سه مرحله‌ی شهرنشینی، برگشت تمرکز و شهرگریزی مطرح می‌گردد. این مدل می‌تواند به عنوان مدلی با توانایی تفسیر مراحل توسعه شهری در سطوح



شکل ۱: مناطق ده‌گانه‌ی کشور در طرح کالبدی ملی

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

که تحلیل نظام شهری از طریق دو رویکرد امکان‌پذیر است:

۱- رویکرد تحلیل کارکردی، که شامل روش‌های ساده (روش مقیاس گاتمن، روش اسکالوگرام دستی، شاخص مرکزیت، امتیاز استاندارد شده، تاکسونومی عددی و روش انحراف از اپتیمم) و روش‌های پیچیده (تحلیل

این تحقیق، از نظر ماهیت و روش، عمدتاً تحقیقی کمی و از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. با توجه به ماهیت مسأله‌ی تحقیق نیز، از رویکرد تحلیل تطبیقی در قالب مقایسه‌ی مناطق با توجه به مقادیر شاخص‌های مختلف انجام شد. از نظر رویکرد تحلیل نظام شهری نیز، بررسی مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهشی نشان داد

تحلیل و مقایسه‌ی تطبیقی در قالب ترسیم نمودارهای خطی به نحوی انجام شد که در ساده‌ترین حالت ممکن، امکان مقایسه و بررسی تفاوت در وضعیت مناطق از نظر هر شاخص فراهم شود.

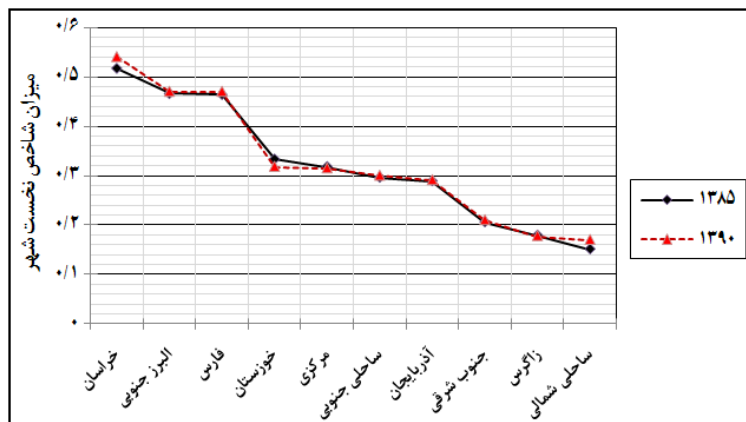
یافته‌های تحقیق

- تحلیل تطبیقی میزان نخست شهری در نظام شهری مناطق ده‌گانه

شاخص نخست شهر بیانگر نسبت جمعیت شهر اول به مجموع جمعیت شهرهای هر منطقه است. اندازه‌ی مطلوب این شاخص ۰/۱ می‌باشد و مقادیر بیشتر بیانگر نخست شهری است. نتایج مطابق شکل (۲) نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ به ترتیب مناطق خراسان با ۰/۵۱۷، البرز جنوبی با میزان ۰/۴۶۶ و فارس با ۰/۴۶۴ به دلیل وجود شهرهای مترکم تهران، مشهد و شیراز بیشترین نخست شهری را در کشور دارند. مناطق ساحلی شمالی با میزان ۰/۱۵۱ و زاگرس با ۰/۱۷۹ نیز، کمترین نخست شهری را دارند. این وضعیت در سال ۱۳۹۰ نیز تغییر چندانی نیافته است. مطابق نتایج، میزان نخست شهری همه‌ی مناطق از میزان مطلوب فاصله دارد و فاصله‌ی اغلب آنها نیز زیاد است.

عاملی و تحلیل خوشه‌ای) می‌باشد؛ و ۲- رویکرد تحلیل جمعیتی از طریق الف- شاخص‌های نخست شهری، ب- شاخص‌های میزان تمرکز، و ج- شاخص‌های میزان توزیع متعادل. لذا با توجه به فقدان دسترسی مناسب به اطلاعات کارکردی همه‌ی شهرهای ایران، در این پژوهش از رویکرد تحلیل جمعیتی و شاخص‌های آن برای تحلیل نظام شهری استفاده شد.

در چارچوب این رویکرد، داده‌های مورد نیاز جمعیت همه‌ی شهرهای کشور مطابق نتایج سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ می‌باشد. داده‌های مورد نیاز نیز از طریق روش کتابخانه‌ای و استفاده از آمارنامه‌ها و مراجعه به سازمان‌های آماری در سطح ملی و استانی گردآوری شد. تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه نیز بدین شرح انجام شد: تحلیل میزان نخست شهری بر اساس شاخص‌های نخست شهر، دو شهر، کینزبرگ، مهتا، موماو و الوصابی، و موسوی؛ و تحلیل میزان تمرکز شهری با شاخص‌های هرفیندال و هندرسون انجام شد. از شاخص آنتروپی، قاعده‌ی رتبه-اندازه و ضریب پاره- تو نیز برای تحلیل میزان تعادل شهری استفاده شد. برای مقایسه‌ی مناطق ۱۰ گانه نیز از نمودار خطی در محیط نرم‌افزار Excel استفاده شد.

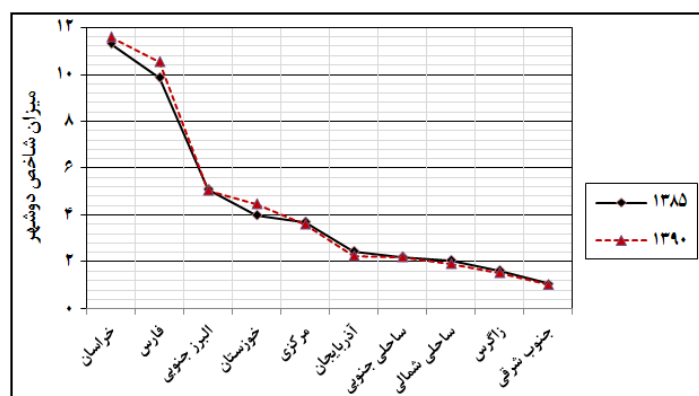


شکل ۲: مقایسه‌ی میزان شاخص نخست شهری نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰

مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

در سال ۱۳۸۵ می‌باشد (شکل ۳). مطابق نتایج به دست آمده، در سال ۱۳۹۰ نیز تغییر چندانی در این وضعیت حاصل نشده است. حدود نیمی از مناطق از نظر این شاخص نزدیک به حد مطلوب هستند.

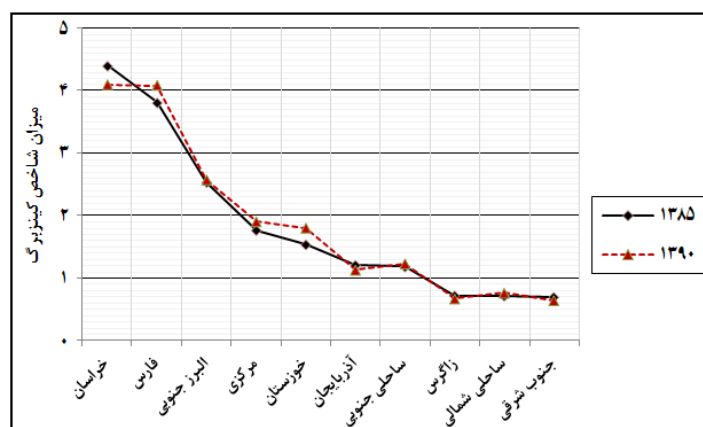
نتایج شاخص دو شهر یعنی نسبت جمعیت شهر اول به دوم با اندازه‌ی مطلوب برابر با ۲، نیز نشان‌دهنده‌ی نخست شهری بسیار بالا در مناطق خراسان، فارس و البرز جنوبی به ترتیب با میزان ۱۱/۳۶، ۹/۸۶ و ۵/۱۱



شکل ۳: مقایسه‌ی میزان شاخص دوشهر نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

(۴) نشان می‌دهد که همچنان مناطق خراسان، فارس و البرز جنوبی بدترین وضعیت را در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ دارند. مناطق جنوب شرقی، ساحلی شمالی و زاگرس نیز به ترتیب بهترین وضعیت را دارند.

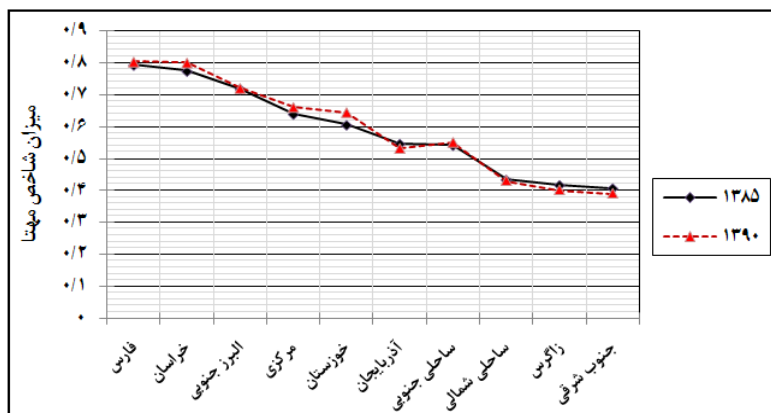
شاخص کینزبرگ بیانگر نسبت جمعیت شهر اول به مجموع جمعیت شهرهای دوم تا چهارم هر منطقه می‌باشد. در یک نظام شهری کاملاً متعادل، میزان مطلوب این شاخص ۰/۹۳ می‌باشد. نتایج مطابق شکل



شکل ۴: مقایسه‌ی میزان شاخص کینزبرگ نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

خراسان و البرز جنوبی در مرتبه فوق برتری قرار دارند و منطقه‌ی جنوب‌شرقی با ۰/۴، نخست شهری کمترین را داراست. مطابق نتایج، بیش از نیمی از مناطق در وضعیت برتری و فوق برتری قرار دارند که وضعیت نامناسبی را نشان می‌دهد.

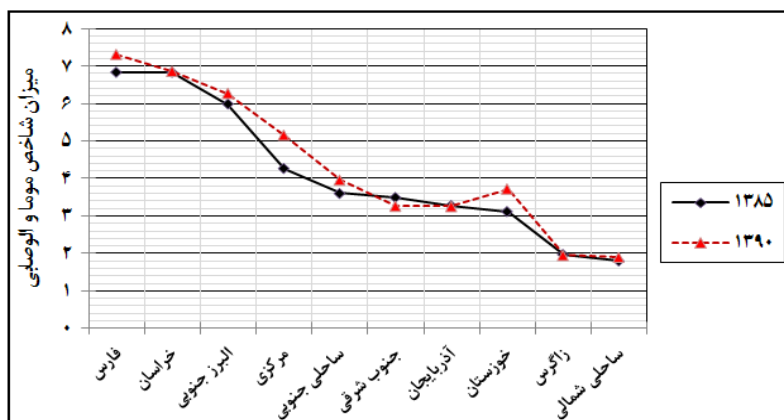
در شاخص مهتا اگر مقدار عدد به دست آمده بین ۰/۶۵ و ۱ باشد فوق برتری، بین ۰/۵۴ تا ۰/۶۵ برتری، بین ۰/۴۱ تا ۰/۵۴ نخست شهری مطلوب، و کمتر از ۰/۴۱ نخست شهری کمترین می‌باشد. نتایج این شاخص مطابق شکل (۵) نشان داد که سه منطقه‌ی فارس،



شکل ۵: مقایسه‌ی میزان شاخص مهتا نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

۸۵ و ۹۰ به ترتیب مناطق فارس، خراسان، البرز جنوبی و مرکزی از نخست شهری بالایی برخوردارند. اما در مقابل، در مناطق ساحلی شمالی و زاگرس شهرهای میانی تسلط دارند.

شاخص موما و الوصایی، بیانگر نسبت جمعیت دو شهر اول به دو شهر بعدی هر منطقه با میزان مطلوب ۲/۶ می‌باشد. مقادیر بیشتر بیانگر نخست شهری و مقادیر کمتر بیانگر تسلط شهرهای میانی می‌باشد. نتایج مطابق شکل (۶) نشان می‌دهد که در سال‌های

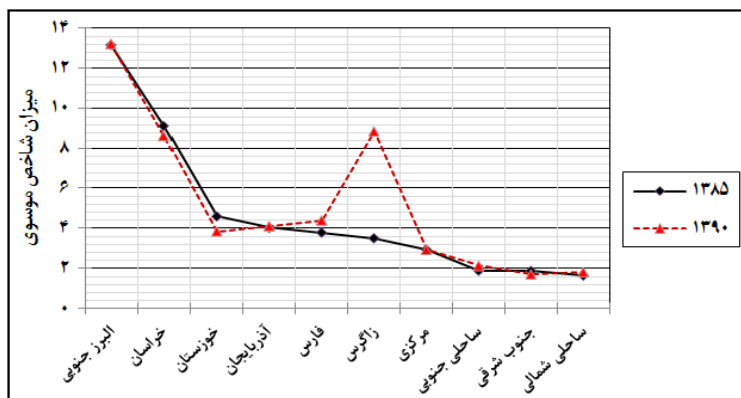


شکل ۶: مقایسه‌ی میزان شاخص موما و الوصایی در نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

وضعیت نیز به ترتیب مربوط به مناطق البرز جنوبی و خراسان می‌باشد.

مطابق شکل (۷) تغییر قابل توجه منطقه‌ی زاگرس در سال ۱۳۹۰ مشخص است. بررسی‌ها نشان داد که این تغییر بدلیل کاهش شدید جمعیت شهر سومار در سال ۱۳۹۰ می‌باشد. شایان ذکر است که شهر سومار از توابع شهرستان قصر شیرین در استان کرمانشاه، در سال ۱۳۷۴ تبدیل به شهر شده است. این شهر در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب ۳۲۶ و ۷۸ نفر جمعیت داشته است. ولی در سال ۱۳۹۰ جمعیت آن به ۹ نفر کاهش یافته است.

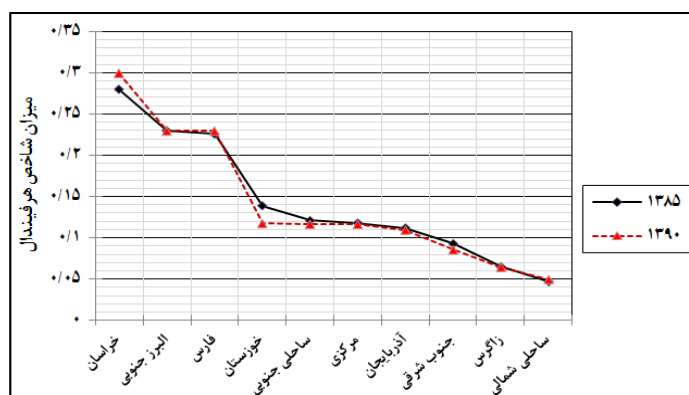
در شاخص تسلط موسوی، مقدار یک، بیانگر تعادل در نظام شهری است. مقادیر بیش از یک بیانگر حالت نخست شهری و کمتر از آن، بیانگر توسعه‌ی شهرهای میانی می‌باشد. مطابق آن، اگر بین ۴ شهر اول منطقه تعادل نسبی برقرار باشد ولی در پایین نظام شهری، شهرهای کوچکی باشند که نسبت به رتبه‌ی خود از جمعیت لازم برخوردار نباشند، همچنان نوعی عدم تعادل وجود دارد. نتایج مطابق شکل (۷) نشان داد کمترین فاصله از میزان مطلوب در سال ۱۳۹۰ مربوط به مناطق ساحلی شمالی با $1/66$ جنوب شرقی با $1/89$ و ساحلی جنوبی با $1/9$ می‌باشد. نامناسب‌ترین



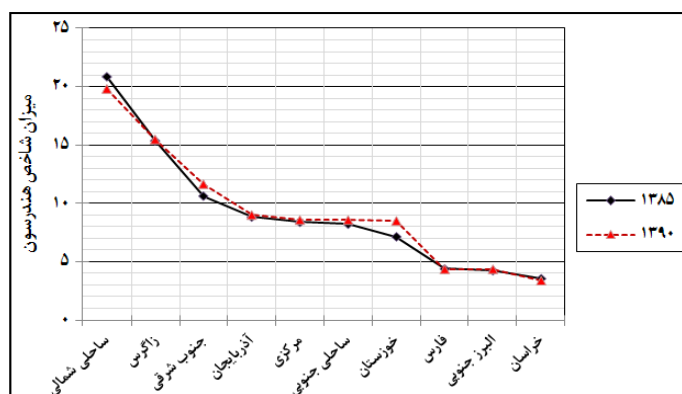
شکل ۷: مقایسه‌ی میزان شاخص موسوی در نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰
مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

مقدار شاخص هندرسون بیشتر باشد و به سمت مقادیر بالای ۱۰ حرکت کند بیانگر وضعیت مناسب‌تر خواهد بود. نتایج این شاخص نشان می‌دهد که بهترین وضعیت در سال ۱۳۸۵ مربوط به مناطق ساحلی شمال با $20/85$ زاگرس با $15/38$ و جنوب شرق با $10/65$ می‌باشد (شکل ۹). در سال ۱۳۹۰ نیز وضعیت در همین حدود است و تغییر چندانی حاصل نشده است.

تحلیل تطبیقی میزان تمرکز جمعیت در نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور شاخص تمرکز هر فیندال در مطلوب‌ترین شرایط باید بین صفر و $0/1$ باشد. مطابق نتایج، در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ تنها مناطق ساحلی شمالی با مقادیری حدود $0/47$ زاگرس با $0/65$ و جنوب شرق با $0/93$ در وضعیت مناسبی قرار دارند (شکل ۸). در مقابل، هر چه



شکل ۸: مقایسه‌ی میزان شاخص هر فیندال در نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

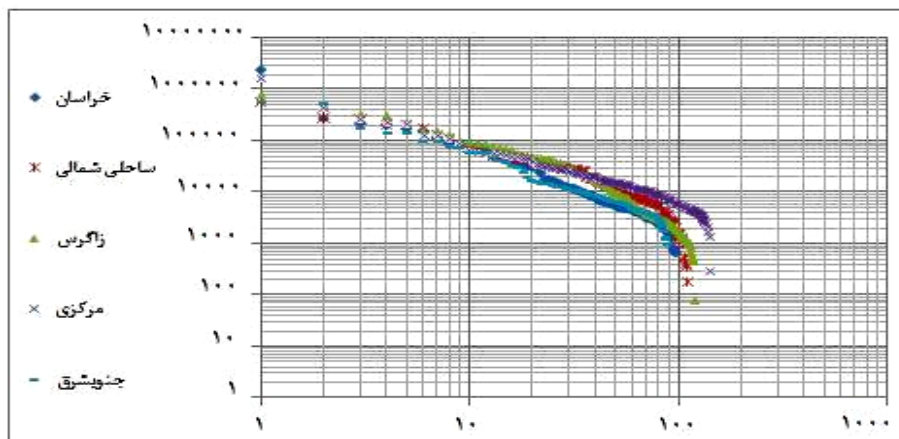


شکل ۹: مقایسه‌ی میزان شاخص هندرسون در نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

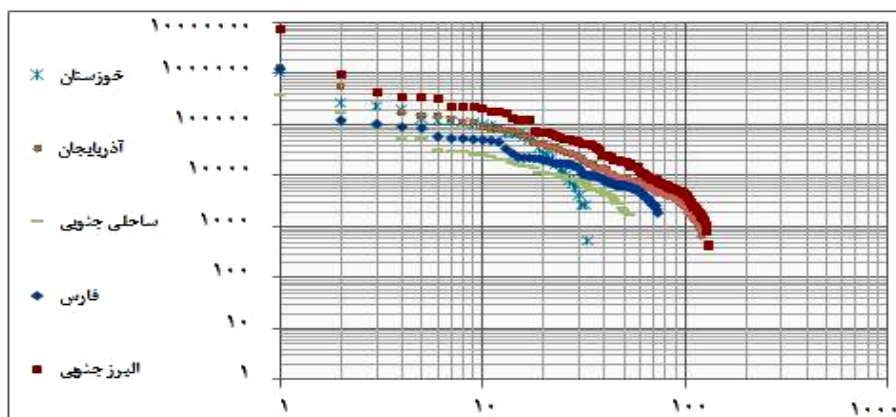
رتبه- اندازه‌ی شهرها است، به عدد ۱ نزدیکتر باشد، نظام شهری تعادل بیشتری دارد. نتایج مطابق شکل ۱۳ بیانگر وجود عدم تعادل در همه مناطق می‌باشد. در شاخص آنتروپی نیز مقادیر بالاتر از چهار، بیانگر تعادل بیشتر است. نتایج نشان داد که تنها منطقه‌ی ساحلی شمالی به محدوده‌ی تعادل نزدیک می‌باشد (شکل ۱۴).

تحلیل تطبیقی میزان تعادل جمعیت در نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور

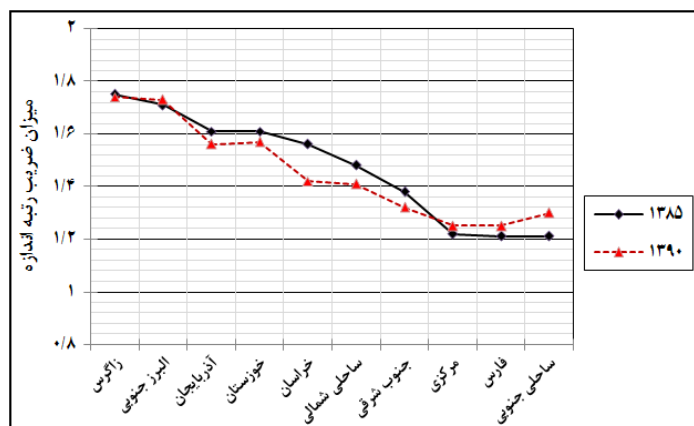
نتایج تحلیل قاعده‌ی رتبه-اندازه نیز مطابق شکل‌های ۱۰ تا ۱۲ نشان داد که در همه‌ی مناطق عدم تعادل وجود دارد. هر چه نظام شهری توسعه یافته‌تر باشد، شیب خط رتبه-اندازه‌ی شهرها به عدد یک نزدیکتر خواهد بود. در ضریب پاره-تو نیز هر چه مقدار a که همان R^2 در معادله‌ی خط منحنی‌های توزیع لگاریتمی



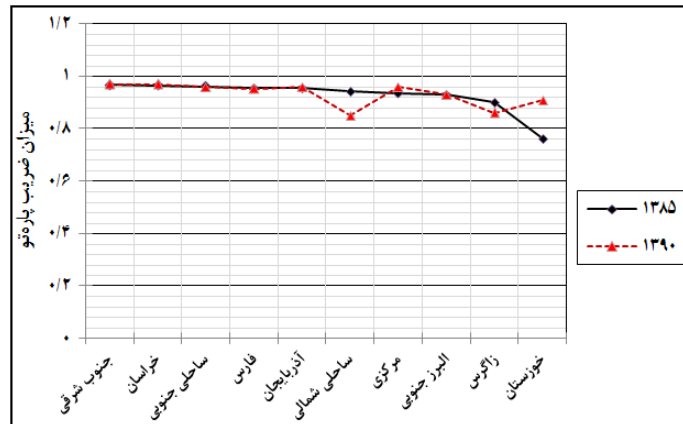
شکل ۱۰: توزیع لگاریتمی رتبه-اندازه‌ی شهرهای ۵ منطقه‌ی کشور در سال ۱۳۹۰
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱



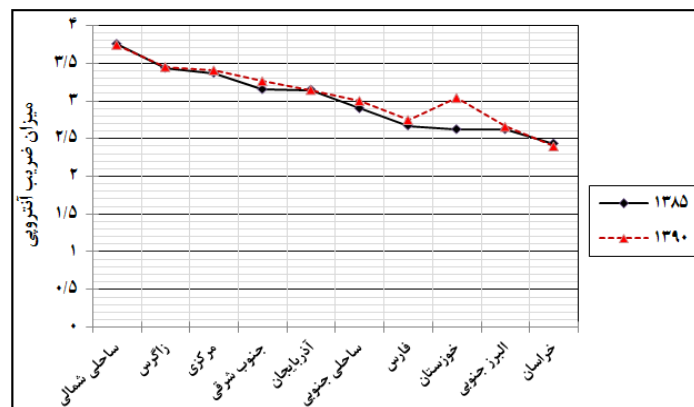
شکل ۱۱: توزیع لگاریتمی رتبه-اندازه‌ی شهرهای ۵ منطقه‌ی کشور در سال ۱۳۹۰
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱



شکل ۱۲: مقایسه‌ی شیب خط رتبه-اندازه‌ی نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱



شکل ۱۳: مقایسه‌ی میزان ضریب پاره-تو در نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱



شکل ۱۴: مقایسه‌ی میزان شاخص آن‌تروپی در نظام شهری مناطق ده‌گانه‌ی کشور در سال‌های ۸۵ و ۹۰
 مأخذ: مطالعات میدانی نگارندگان، ۱۳۹۱

نیستند و اغلب مناطق در اکثر شاخص‌ها با وضع مطلوب فاصله‌ی زیادی دارند. در تبیین نتایج پژوهش باید اذعان داشت که علیرغم وقوع دگرگونی‌هایی در نظام شهری ایران، سیمای اسکان و استقرار جمعیت و شهرها تصویر مناسبی را به دست نمی‌دهد. در واقع، به دنبال سیاست‌های مبتنی بر صنعتی شدن و قطب رشد در دهه‌های ۳۰ تا ۵۰ تمرکز و عدم تعادل در نظام شهری ایران تشدید گردید. با آغاز مطالعات آمایش سرزمین در سال ۱۳۵۴ تلاش‌هایی نیز از دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به بعد در راستای توسعه‌ی قطب‌های منطقه‌ای، تمرکززدایی از تهران و نیز در دهه‌های ۶۰ و

نتیجه

نتایج تحقیق در مجموع بیانگر وجود حالت نخست شهری، تمرکز جمعیت در نظام شهری، و عدم تعادل توزیع جمعیت بویژه در سلسله‌مراتب شهری در مناطق مختلف می‌باشد. وضعیتی که هر چند از برخی جهات و بر حسب بعضی از شاخص‌ها از شدت بسیار بالایی برخوردار نیست ولی در مجموع نشان‌دهنده‌ی وضعیت نامناسبی است. چنانکه یافته‌ها نیز ضمن تأیید فرضیه‌ی تحقیق نشان داد که مناطق مختلف از نظر تعادل و تمرکز در توزیع جمعیت و نیز الگوی توزیع جمعیت در نظام شهری از وضعیت مطلوبی برخوردار

بجز شاخص تسلط شهری موسوی، مناطق خراسان، فارس و البرز جنوبی همواره از بیشترین نخست‌شهری برخوردار بوده‌اند. در واقع، وضعیت در این مناطق بسیار قطبی شده و نامناسب‌تر است که خود بیانگر ضعف برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی است و عدم تحقق اهداف پیش‌بینی شده در سیاست‌گذاری‌هاست. در مقابل، مناطق ساحلی شمالی، زاگرس و ناحیه‌ی جنوب شرق بهترین وضعیت را نسبت به سایر مناطق در رسیدن به میزان مطلوب دارا بوده‌اند. مناطقی که عمدتاً دارای ظرفیت‌های سرزمینی و منابع طبیعی هستند و بیانگر نقش بیشتر زمینه‌های مساعد طبیعی و نه برنامه‌ریزی در تحقق تعادل در این مناطق می‌باشند. این امر بیانگر نقش نسبی تنوع و قابلیت‌های سرزمینی کشور در تعدیل نخست‌شهری و نیز علل تفاوت نظام شهری مناطق مختلف کشور بخصوص مناطق مذکور است. آنچه که بدرستی باید در برنامه‌ریزی‌ها و راهبردهای توسعه‌ی شهری و منطقه‌ای کشور مورد توجه قرار گیرد. در زمینه‌ی میزان تمرکز برحسب شاخص هرفیندال نیز مناطق ساحلی شمال، زاگرس و جنوب شرق با مقادیر ۰/۰۴۷، ۰/۰۶۵، ۰/۰۹۳، وضعیت مناسب‌تری داشته‌اند ولی در سایر مناطق بخصوص خراسان، فارس و البرز جنوبی تمرکز نسبی وجود دارد. نکته‌ی دیگر در یافته‌ها این است که از نظر شاخص‌های آنتروپی، ضریب پاره-تو و قاعده‌ی رتبه-اندازه، هیچ کدام از مناطق در رسیدن به تعادل مربوطه موفق نبوده‌اند. آنچه که به نوعی اغلب مرتبط با سیاست تبدیل بی‌رویه‌ی روستاها به شهرهای کوچک بدون توانمندسازی و توجه به جایگاه جمعیتی و عملکردی آنها در نظام شهری است. بنابراین با توجه

۷۰ در قالب توسعه شهرهای کوچک و میانی اتفاق افتاد که در تحول نظام شهری کشور و مناطق تأثیر داشته است.^۱ در واقع، یکی از سیاست‌های انتخابی در جهت تعدیل نابرابری‌های شهری و ناحیه‌ای در ایران، سیاست محدود ساختن رشد شهرهای بزرگ و فراهم کردن زمینه‌های مساعد اقتصادی در شهرهای کوچک و میانی است. بطوری‌که در طرح ستیران (۱۳۵۶) نیز توجه به شهرهای کوچک به عنوان عامل اصلی حفظ تعادل محیطی جامعه روستایی مطرح شده است. در برنامه‌ی پنج ساله اول توسعه بعد از انقلاب (۱۳۷۳-۱۳۶۹)، افزایش سرعت توسعه‌ی شهرهای کوچک و میانی و کاهش سرعت رشد کلانشهرها به عنوان عامل مهمی در توازن فعالیت و جمعیت انگاشته شده است. در برنامه دوم (۱۳۷۸-۱۳۷۴) و سوم توسعه‌ی اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۳-۱۳۷۹) به حمایت از شهرهای کوچک و متوسط با تأکید بر جلوگیری از توسعه‌ی کلانشهرها پرداخته شده است. در سایر برنامه‌ها نیز بر این امر تأکید شده است. اما هنوز شهرهای کوچک و میانی در ایران از جنبه‌های مختلف از گسترش و توسعه‌ی مناسبی برخوردار نیستند.^۲

نتایج این پژوهش نیز نشان می‌دهد که برنامه‌های مذکور هنوز با هدف تعادل بخشی مطلوب به نظام شهری کشور و مناطق فاصله دارند و لذا نیازمند بازبینی، جامعیت و تداوم‌بخشی در بلندمدت می‌باشد. بعلاوه، مطابق نتایج، تغییرات میزان نخست‌شهری در مناطق ده‌گانه‌ی کشور برحسب شاخص‌های مختلف روند مشابه و یکسانی نداشته است. در همه‌ی شاخص‌ها

۱- برای مطالعه‌ی بیشتر در مورد اعمال سیاست‌های تمرکززدایی و تحولات نخست‌شهری در ایران از ۳۵ تا ۷۵ رجوع شود به: زبردست، ۱۳۸۶.

۲- برای مطالعه‌ی بیشتر در مورد میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی در استان‌های مختلف ایران، رجوع شود به: قدیری، ۱۳۹۳.

- حسامیان، فرخ؛ گیتی اعتماد؛ محمدرضا حائری (۱۳۸۵). شهرنشینی در ایران، چاپ پنجم. انتشارات آگاه.
- حسین‌زاده‌دلیر، کریم (۱۳۷۵). جزوه‌ی درسی متون تخصصی برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه تبریز.
- حکمت‌نیا، حسن؛ میرنجف موسوی (۱۳۸۵). کاربرد مدل در جغرافیا با تأکید بر برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای، چاپ اول. انتشارات علم نوین.
- حیدری، علی (۱۳۹۳). تحلیل ابعاد کالبدی- فضایی تمرکزگرایی در نظام‌شهری ایران، فصلنامه‌ی مسکن و محیط‌روستا، دوره‌ی ۳۳، شماره‌ی ۱۴۷، صفحات ۸۳-۱۰۰.
- دراکاکیس- اسمیت، دیوید (۱۳۷۷). شهر جهان سومی، نشر توسعه.
- رجایی، سیدعباس؛ احمدپوراحمد؛ اسفندیار زبردست (۱۳۹۳). شهرنشینی متغیر: دیدگاهها، نظریات و تجربیات جهانی، جغرافیا، دوره‌ی ۱۲، شماره‌ی ۴۱، صفحات ۲۰۱-۲۱۷.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۳). اندازه‌ی شهر، تهران، مرکز تحقیقات شهرسازی و معماری. چاپ اول.
- زبردست، اسفندیار (۱۳۸۶). بررسی تحولات نخست شهری در ایران. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۹، صفحات ۲۹-۳۸.
- سرایی، محمدحسین؛ محمد اسکندری‌ثانی (۱۳۸۶). تبدیل روستاهای بزرگ به شهرهای کوچک و نقش آن در تعادل بخشی ناحیه‌ای، مورد: ریوش شهرستان کاشمر، جغرافیا و توسعه، دوره‌ی ۵، شماره ۱۰، صفحات ۱۸۲-۱۶۵.
- سیف‌الدینی، فرانک؛ حسین منصوریان؛ احمد پوراحمد؛ روشنگر درویش‌زاده (۱۳۹۲). پویایی فضایی- زمانی نظام‌شهری ایران (۱۳۹۰-۱۳۳۵)، پژوهش‌های جغرافیایی برنامه‌ریزی شهری، دوره‌ی ۱، شماره‌ی ۱، صفحات ۴۲-۲۱.
- شکوئی، حسین (۱۳۸۵). اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، جلد دوم. چاپ سوم. نشر گیتاشناسی.
- طرح کالبدی منطقه‌ی فارس (۱۳۸۶). شبکه‌ی شهرها و خدمات، گروه مهندسیین مشاورهمکار توسعه‌ی بوم‌سازگان پایدار، معاونت شهرسازی وزارت مسکن و شهرسازی.

به اینکه توسعه‌ی نظام‌مند سیستم‌های سکونتگاهی بدون پشتوانه‌ی مطالعاتی و پژوهشی، منجر به نتایج سودمندی نخواهد شد. تبدیل روستاها به شهر و افزایش شهرها باید بر اساس بررسی‌های لازم و با توجه به جایگاه آنها در نظام شهری صورت گیرد و متناسب با آن امکانات و خدمات لازم پیش‌بینی گردد. همچنین اتخاذ و تداوم بلندمدت سیاست‌های تمرکززدایی و توزیع سلسله‌مراتبی فرصت‌های اشتغال و خدمات جهت تعادل بخشی به نظام شهری مناطق بخصوص از طریق تقویت شهرهای میانی و کوچک ضروری و از پیشنهادهای مهم می‌باشد. در این راستا توجه به نقاط قوت نظریه‌های مراکز رشد و یوفرد و نیز راهبرد تمرکز غیرمتمرکز و توسعه‌ی سلسله‌مراتبی بسیار راهگشا خواهد بود. نهایتاً اینکه، تعادل بخشی به نظام شهری و گسترش شهرهای کوچک و میانی از نظر تعداد، تراکم و توزیع فضایی و نیز سهم جمعیتی مناسب نیازمند هماهنگی سیاست‌های توسعه‌ی فضایی با سیاست‌های اجتماعی- اقتصادی، فعالیت‌های خلاقانه، ابتکارات مقامات محلی و نیز مشوق‌های لازم و درازمدت، در کنار قابلیت‌های مثبت منطقه‌ای و محیطی می‌باشد.

منابع

- اصلانی، رضا؛ علی‌اصغر جواد (۱۳۷۳). برنامه‌ریزی توسعه‌ی فضایی شهرستان بیجار، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد شهرسازی. تهران. دانشگاه شهید بهشتی.
- امکچی، حمیده (۱۳۸۳). شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی، چاپ اول. تهران. مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری
- باقری، اشرف‌السادات (۱۳۷۵). نقش شهرهای میانی در توسعه‌ی ناحیه‌ای. رساله دکترا. دانشگاه تربیت مدرس.
- حاجی‌پور، خلیل؛ اسفندیار زبردست (۱۳۸۴). بررسی و تحلیل و ارائه‌ی الگویی برای نظام شهری استان خوزستان، نشریه هنرهای زیبا، شماره‌ی ۲۳، صفحات ۱۴-۵.

- Douglass, Mike (1998). Strategy For Reciprocal Rural – Urban Linkages: An Agenda For Research With Reference to Indonesia, Third World Planning Review, 20 (1): 1-33.
- Kwiatek-Soltys, A. (2011). Small towns in Poland - barriers and factors of growth, Procedia Social and Behavioral Sciences, (19): 363-370
- Lacour, C., & Puissant, S. (2009). Is creativeness in small cities indicative of an economic culture? Paper presented at the Association of American Geographers, Annual Meeting, Las Vegas NV March 22-27 Label Session: The Cultural Economy of Small Cities: Creativity Knowledge and Urban Spatial Development.
- Misra, R. P. (1978). Regional Planning in Iran: Problems and Prospects, in Regional Planning edited by Misra and et al. Vikas Publishing House, New Delhi.
- Rondinelli, D. A (1983). Secondary Cities in developing countries: Policies for Diffusing Urbanization, Sage Publication, Beverly Hills.
- Rondinelli, D. A. & K. Ruddel (1978). Urban Functions in Rural Development; An Analysis of Integrated spatial Development, U.S.A.D.
- Radstrom, Susan J., B.E.D(2005). Urban Identify In Slow City, Practicum submitted to the Faculty of Gradate Studies of The University of Manitoba in Partial Fulfillment of the Requirements or the Degree of Master of City Planning, Department of City Planning, University of Manitoba.
- Schmitt, B. & Henry, M (2000). Size and Growth of Urban Centers in French Labor Market areas: Consequences for Rural Population and Employment, Regional Science and Urban Economics, Vol. 30 (1).
- Xie, Yichun, & Robert Ward (2007). The urban system in West China: A case study along the mid-section of the ancient Silk Road – He-Xi Corridor, Journal of cities, Vol. 24: (1): 60-73.
- عظیمی، ناصر (۱۳۸۱). پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، چاپ اول. نشر نیکا.
- علی‌اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳). توسعه‌ی شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی در ایران، مجله پژوهش‌های جغرافیایی. شماره‌ی ۴۸. صفحات ۷۰-۴۹.
- فرهنگ‌شکوفه؛ علی عسگری؛ مرتضی سامتی (۱۳۸۷). تحلیل فضایی توسعه شهری در ایران (رشد اندازه شهرها)، مجله تحقیقات اقتصادی. دوره‌ی ۴۳. شماره‌ی ۸۲. صفحات ۱۸۵-۱۶۳.
- فرهودی، رحمت‌الله؛ سعید زنگنه‌شهرکی؛ رامین ساعد موجشی (۱۳۸۸). چگونگی توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری ایران طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، مجله‌ی پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۶۸. صفحات ۶۸-۵۵.
- قدیری، محمود (۱۳۹۳). بررسی میزان گسترش شهرهای کوچک و میانی در ایران، فصلنامه‌ی جغرافیا و توسعه. دوره‌ی ۱۲. شماره ۳۶. صفحات ۴۷-۳۱.
- گیلبرت، آلن و گاگلر، ژوزف (۱۳۷۵). شهرها فقر و توسعه شهرنشینی در جهان سوم، چاپ اول. مترجم پرویز کریمی ناصری. انتشارات اداره کل روابط عمومی و بین‌الملل شهرداری تهران.
- لینچ، کنت (۱۳۸۶). روابط متقابل شهر و روستا در کشورهای در حال توسعه، چاپ اول. ترجمه محمد رضا رضوانی و داود شیخی. تهران. انتشارات پیام.
- لیوارجانی، پروین‌دخت؛ علی شیخ‌اعظمی (۱۳۸۸). بررسی پدیده نخست شهری در ایران در سال ۱۳۸۵: سیاست و سرزمین، مجله علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی. سال ۹. شماره‌ی ۲۷. صفحات ۲۰۲-۱۸۱.
- مابوگونج، آل و میسرا، آر. پی (۱۳۶۸). توسعه منطقه‌ای روش‌های نو، چاپ اول. مترجم عباس مخبر. انتشارات وزارت برنامه و بودجه.
- میسرا، آر. پی (۱۳۶۸). توسعه‌ی منطقه‌ای: روش‌های نو، ترجمه‌ی عباس مخبر، سازمان برنامه و بودجه.